

به نام خدا

سرّ عشق

(سیری در دشن با از شیخ محمود شبستری)

مولف:

کامبیز امامی

سرشناسه : کامبیز امامی ۱۳۴۷-
 عنوان و نام پدیدآور : سر عشق (سیری در گلشن راز شیخ محمود شبستری) /
 کامبیز امامی.
 مشخصات نشر : تهران: گیوا، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص.
 شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۱-۵۸-۸۴۷۹-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۸ ق.
 موضوع : Persian poetry -- 14th century
 موضوع : شعر عرفانی فارسی -- قرن ۸ ق.
 شابک افزوده : شبستری، محمود بن عبدالکریم، ۶۸۷ - ۷۲۰ ق.
 بندی : PIR ۵۵۰۳ / ۷۵۴ ۱۳۹۵
 ردیفی : ۳۲/۱
 شماره کتابشناختی : ۴۳۰۴۳۳

عنوان کتاب : سر عشق (سیری در گلشن راز شیخ محمود شبستری)
 مولف : کامبیز امامی
 ناشر : انتشارات بین المللی گیوا
 مدیر اجرایی : محمد صدیق سپهری
 صفحه آرا و طراح جلد : آریتا گوهری
 سال و نوبت چاپ : ۱۳۹۵ / اول
 شمارگان : ۱۰۰۰
 شابک : ۱-۵۸-۸۴۷۹-۶۰۰-۹۷۸
 قیمت : ۲۰۰۰۰ ریال
 آدرس : میدان انقلاب، ضلع شمال غرب میدان، جنب بانک رفاه، پلاک ۵۹، طبقه ۲، واحد شرقی
 تلفن : ۰۲۱-۶۶۵۶۲۶۳۹ ۰۹۱۲۷۹۸۱۶۵۴
 تارنما : www.givabook.ir

فهرست مطالب

۱۷	 مقدمه
۱۹	 شیخ محمود شبستری که بود؟
۱۹	 آثار شیخ محمود شبستری
۲۰	 اوضاع اجتماعی، فرهنگی و ادبی قرن هفتم و هشتم
۲۱	 در باره‌ی کتاب گلشن راز
۲۷	 مثنوی گلشن راز
۲۹	 دیباچه
۳۱	 سبب نظم کتاب
۳۵	 سوال در ماهیت فکرت
۳۵	 جواب
۳۷	 تمثیل در بیان سر پنهانی حق در عین پنداری
۳۸	 سوال در موضوع فکرت
۳۸	 جواب
۴۰	 تمثیل در بیان ظهور خورشید حقیقت در آینه کائنات
۴۲	 قاعده در شناخت عوالم پنهان و شرایط عروج بدان عوالم
۴۴	 قاعده در تشبیه کتاب آفرینش به کتاب وحی
۴۵	 قاعده‌ی تفکر در آفاق
۴۷	 تمثیل در بیان وحدت کارخانه عالم
۴۸	 قاعده در تفکر در انفس
۵۰	 سوال از ماهیت من
۵۰	 جواب
۵۲	 سوال از احوال سالک و نشانه‌های مرد کامل
۵۲	 جواب به سوال اول
۵۳	 قاعده در بیان سیر نزول و مراتب صعود آدمی
۵۵	 تمثیل در بیان مقام نبوت و ولایت
۵۵	 جواب به سوال دوم
۵۶	 تمثیل در بیان رابطه‌ی شریعت و طریقت و حقیقت
۵۷	 قاعده در حکمت وجود اولیا
۵۸	 تمثیل در بیان سیر مراتب نبوت و ولایت

- سوال از شرایط شناخت وحدت و موضوع شناخت عرفانی ۵۹
- جواب ۵۹
- سوال از کیفیت جمع بین وحدت و کثرت ۶۱
- جواب ۶۱
- تمثیل در بیان نسبت عقل با شهود ۶۲
- سوال از معنی انا الحق ۶۳
- جواب ۶۳
- قاعده در بیان حلول واتحاد ۶۴
- تمثیل در تدرج های بی بود ۶۴
- سوال از معنی وصال ۶۶
- جواب ۶۶
- تمثیل در اطوار وجود ۶۸
- سوال از ماهیت قرب و بعد و امکان وصال با حق ۷۰
- جواب ۷۰
- سوال از ماهیت نطق و بیان ۷۳
- جواب ۷۳
- تمثیل در بیان ماهیت صورت و معنی ۷۴
- قاعده در بیان اقسام فضیلت ۷۵
- تمثیل در بیان نکاح معنوی جسم با جان یا صورت با معنی ۷۷
- سوال در شناخت جزو حقیقی و کل مجازی و کیفیت بزرگتر بودن این جزو نسبت به کل ۷۸
- جواب ۷۸
- تمثیل در بیان اقسام مرگ و ظهور اطوار قیامت در لحظه ی مرگ ۷۹
- قاعده در بیان معنی حشر ۸۱
- سوال از کیفیت جدایی میان قدیم و محدث ۸۳
- جواب ۸۳
- سوال از معانی اصطلاحات شاعرانه عارفان ۸۴
- جواب ۸۴
- اشارت به چشم و لب ۸۶
- اشارت به زلف ۸۷
- اشارت به رخ و خط ۸۸

- ۱۸۹..... اشارت به خال
- ۹۰..... سوال از معنی حقیقی شراب و شاهد و خرابات و امثال آن
- ۹۰..... جواب
- ۹۲..... اشارت به خرابات
- ۹۴..... سوال از معنی بت و زنار و ترسایی
- ۹۴..... جواب
- ۹۶..... اشارت به زنار
- ۹۹..... اشارت به ترسایی و دیو
- ۱۰۰..... تمثیل در اطوار سر و ساق
- ۱۰۲..... اشارت به بت
- ۱۰۴..... خاتمه
- ۱۰۵..... شرح و تفسیر گلشن راز
- ۱۰۵..... خداوند از فیض و فضل خود دو عالم را آفرید
- ۱۰۵..... انسان از طریق شناخت عقلانی به خود و جهش اطراف پی می برد
- ۱۰۶..... در پدیده های جهان آفرینش وحدت و انسجام مستحکم برقرار است
- ۱۰۶..... خط سیر رشد بشری به کاروان سالاری محمد مصطفی (ص) است
- ۱۰۷..... برای رشد معنوی به رهبری پیامبر اسلام (ص) نیاز است
- ۱۰۷..... اولیای خدا حقایق را به زبان هنری و عرفانی بیان داشته اند
- ۱۰۸..... مردان خدا به سلیقه های گوناگون حقایق را بیان کرده اند
- ۱۰۸..... عبارت عرفا برای درک بهتر مردم به توضیح نیاز دارد
- ۱۰۹..... دوستان محفلی شیخ را در جواب نامه ترغیب نمودند
- ۱۱۰..... جواب نامه منظوم حسینی فی المجلس و بدون آمادگی قبلی سروده شده است
- ۱۱۰..... کلمات معمولی در تبیین مفاهیم عرفانی با دشواری روبروست
- ۱۱۱..... تدوین مثنوی گلشن راز بر سبیل اتفاق بوده است
- ۱۱۱..... جواب مشکلات حسینی به طور کامل و دقیق داده شد
- ۱۱۲..... به دلم الهام شد که نام این مجموعه گلشن راز باشد
- ۱۱۲..... سیرت فکر آدمی
- ۱۱۲..... سؤال اول
- ۱۱۲..... جواب اول
- ۱۱۲..... تعریف تفکر و مراحل رسیدن به آن در نزد حکیمان

- ۱۱۳ قانون منطق راه صحیح تفکر را به ما می آموزد
- ۱۱۴ قانون منطق موقعی کارساز است که لطف خدا شامل شود
- ۱۱۴ دانشمند مادی یا منطق و روش حسی قادر به درک حقیقت نیست
- ۱۱۴ قانون علیت برای شناخت پدیده های محسوس است
- ۱۱۵ خداوند از آن جهت دیده نمی شود که جهان از فروغ او سرشار شده است
- ۱۱۵ اعتقاد به حلول، تشبیه و تناسخ نشانه دور بودن عقل از درک درست است
- ۱۱۶ نشاختن خداوند ناشی از کج بینی است
- ۱۱۷ سؤال دوه
- ۱۱۷ جواب دوم
- ۱۱۷ محال است که آفریده در آفریده خود یگنجد و آنگاه دیده شود!!
- ۱۱۷ انوار تجلی و فرامادی الهی در عالم طبیعت نمی گنجد
- ۱۱۸ خرد کوچک وضعیف آدمی در برابر نور تجلی حق تحمل مقاومت ندارد!!
- ۱۱۸ بجای دیدن خدا در پی آب حیات الهی بندهائی باشید
- ۱۱۹ پاسخ همه نیازهای خود را در ذات بار حق تعالی بیابید
- ۱۱۹ برای رویت نور خیره کننده خورشیده به جسم واسطه ای مثل آب نیاز است
- ۱۱۹ هستی موجودات از تجلی حق درآئینه نیستی شکل می گیرد
- ۱۲۰ هستی (جهان کثرت) عکسی از عدم ونیستی (جهان متحد) است
- ۱۲۰ انسان خود جهانی است غیر از جهان محسوس
- ۱۲۱ جهان شگفت انگیز بی نهایت کوچک ها
- ۱۲۱ تحولات و تغییرات جهان در یک مجموعه منظم و هماهنگ صورت می گیرد
- ۱۲۲ همه پدیده های عالم در یک حرکت عمومی خودآگاهانه در حرکتند
- ۱۲۲ از شگفتی های جهان چه می دانید؟!
- ۱۲۳ گفتن بعضی از مطالب دشوار است!!
- ۱۲۳ اگر حجاب و مانع شناخت و دید انسان کنار نرود حقایق شناخته نمی شود
- ۱۲۴ جهان برای انسان است، برای رشد و پیشرفت خود لیاقت نشان بدهید
- ۱۲۴ با همت و تلاش می توان بر مشکلات غلبه کرد
- ۱۲۵ برای انجام امور از عقل پرنور و هدایت الهی کمک بگیرید
- ۱۲۵ جهت موفقیت در سیر و سلوک باید از غیر خدا زوی بگردانید
- ۱۲۶ اگر کوه دویی و خودخواهی را کنار بزنید با حقیقت آشنا خواهید شد
- ۱۲۶ وقتی به قرب حق برسی اشیاء را به همان شکلی که هستند خواهید دید

- کتاب تکوین آفرینش شبه کتاب وحی الهی است ۱۲۶
- عقل کل مثل بای بسم الله و نفس انسان مثل سوره ناس در قرآن است ۱۲۷
- از روی خردمندی به آسمان و زمین بنگرید تا مورد لطف حق قرار گیرید ۱۲۷
- برج های کرسی ۱۲ فلک (مدار) است که حرکت آنان بر یک کمان می باشد ۱۲۸
- برج های ثوابت کرسی ۱۰۲۴ عدد می باشند ۱۲۹
- فلک قمر ۲۸ منزل دارد و مدار حرکتی آن سهمی است ۱۲۹
- کسی که به یقین و دید صحیحی نرسیده است همه چیز را باطل می بیند ۱۲۹
- همه افلاک با حکم خداوند چار نظم می گیرند ۱۳۰
- هر چیزی که وارد آرزگاه می شود از یک استاد ماهر و زبردست است ۱۳۰
- سؤالاتی پیرامون اوج و حضيض کواکب ۱۳۰
- طبیاع و عناصر و موجودات در بین تضاد - راستقرار نظم طبیعت با هم مشاکت دارند ۱۳۱
- موجودات در هر موقعیتی در نظام هستی طبع امر خداوندند ۱۳۱
- جهان را هم اکنون بشناس نه در پایان عمر ۱۳۲
- چرا خصلت های زشت در آدمی وجود دارد ۱۳۲
- جان جهان انسان است! ۱۳۳
- اراده آدمی یک نیروی درونی است که با ابزار مناسب بر روی حرکت درمی آید ۱۳۳
- انسان موجودی با ابعاد گسترده باطنی که در قالب کوچک فذهر گشته است ۱۳۴
- حقیقت وجودی انسان ۱۳۵
- سؤال سوم ۱۳۵
- جواب سوم ۱۳۵
- انسان در نظام هستی موجودی کوچک بحساب نمی آید ۱۳۵
- انسان برای شناخت کامل خود باید نگاهی از بالا به هستی داشته باشد ۱۳۵
- انسان با نگاه دقیق در دایره امکان بین بودن و نبودن قرار دارد! ۱۳۶
- انسان کامل ۱۳۷
- سؤال چهارم ۱۳۷
- جواب چهارم ۱۳۷
- شکل گیری غرایز و گرایشات بشر ۱۳۸
- انسان در حین شناخت طبیعت به تدریج رزائل اخلاقی در او تقویت شد ۱۳۸
- اگر انسان در زندگی دنیایی به خودسازی نپردازد از حیوانات هم پست تر خواهد شد! ۱۳۹
- انسان تنها از نور هدایت الهی قادر است به بالاترین مرحله معنوی برسد ۱۳۹

- توبه انسان را از زشتی ها پاک و توکل او را به قدرت معنوی می رساند ۱۴۰
- موفقیت موقعی حتمی است که اراده و اختیار آدمی با رضای حق یکی شود ۱۴۰
- نبی دریافت کننده وحی است و ولایت در او به ظهور می رسد ۱۴۰
- پیروان مخلص با نزدیکی به اولیاء وارد خلوت سرای محبت حق می گردد ۱۴۱
- جواب دوم به سؤال چهارم ۱۴۱
- مرد تمام از نادیده گرفتن نفس و خواسته های خود به جاودانگی می رسد ۱۴۱
- شریعت، حقیقت و فضائل اخلاقی از سرمایه های درونی مردان کامل است ۱۴۲
- برخط شجر ۱۴۲
- مردان حق چون به حقایق رسیده اند در ظرف این جهانی نمی گنجند ۱۴۲
- مرد خدا به لطف حق مانند درختی است که شاخه هایش بسیار پر بار است ۱۴۳
- ولایت در راستای نبوت ۱۴۳
- خورشید خط استوا ۱۴۵
- راز ختم نبوت ۱۴۶
- کمال و تمام سیروسلوک الی الله درخت نبوت و همه اسلام (ص) است ۱۴۶
- با آشکار شدن ختم نبوت همه ابعاد عدل و داد برایش ظاهر می گردد ۱۴۶
- مواقف و منازل خودسازی ۱۴۷
- سؤال پنجم ۱۴۷
- جواب پنجم ۱۴۷
- در دل عارف، هستی حقیقی محبوب الهی است ۱۴۷
- تا غیر خدا را از قلب خود نرانی به محبت او نمی رسی ۱۴۷
- عهد الست ۱۵۰
- سؤال ششم ۱۵۰
- جواب ششم ۱۵۰
- در ذات وفطرت انسان نیاز به خدا نهفته است ۱۵۰
- انسان با توجه به شناخت خداوند می تواند زندگی پاکیزه ای داشته باشد ۱۵۱
- عقل و ورای عقل ۱۵۱
- غیر از عقل جزوی در درون انسان حقیقت مغناطیسی وجود دارد ۱۵۲
- هستی جز یکی نیست ۱۵۲
- سؤال هفتم ۱۵۲
- جواب هفتم ۱۵۳

- ۱۵۳ همه ذرات عالم مست و شیفته حقد و انالحق می گویند
- ۱۵۳ ان درخت طور به موسی گفت انالحق پس چرا یک انسان شایسته نگوید
- ۱۵۴ سروحدت
- ۱۵۴ کثرت موجودات برای نشان دادن عظمت حق است
- ۱۵۵ نقطه ی وهمی
- ۱۵۵ انسان مثل عکس در آئینه است
- ۱۵۵ وحدت به این معنی است که همه موجودات فانیند و تنها او باقی است
- ۱۵۶ چگونه به حق می توان رسید؟
- ۱۵۶ سؤال هشتم
- ۱۵۶ جواب هشتم
- ۱۵۶ هیچ نسبتی بین خاک و رب درباب وجود ندارد
- ۱۵۷ حضرت حق حقیقت مطلق و هستی دائم ندارد و کمبود است
- ۱۵۸ رویش نباتی آدم
- ۱۵۸ طبیعت با چهارعنصر آفتاب، باران، خاک و هوا حرمی و رشد می یابد
- ۱۵۸ مراحل تکوین و شکل پذیری انسان
- ۱۵۹ جهان یک قطره از دریای حیات است
- ۱۵۹ هستی دریای وسیعی از وحدت و یکپارچگی است
- ۱۵۹ جهان از یک قطره پدیدار گشته است
- ۱۶۰ غیر حق وجود ندارد!!
- ۱۶۰ رسیدن به وصال حق از مسیر حقیقت و بدون خواب و خیال تحقق می یابد
- ۱۶۰ وصال به معنی ملحق شدن انسان به خدا نیست
- ۱۶۱ قرب و بعد
- ۱۶۱ سؤال نهم
- ۱۶۱ جواب نهم
- ۱۶۱ نور خدای ذوالجلال شما را از شخصیت دروغین رها می سازد
- ۱۶۱ ترسیدن از نیستی به این معنی است که انسان از سایه خود بترسد
- ۱۶۲ تو اگر مانند طلا خالص باشی از آتش سوزان چه هراسی داری؟
- ۱۶۲ آیا انسان از ترکیب جان و ن است که اختیار تن به دست جان اوست؟
- ۱۶۳ صحبت از من که موجودیت انسان را تشکیل می دهد باطل است!!
- ۱۶۳ کسی که خدا را شناخته است در صورتی موفق است که پا را از حد خود بیرون نگذارد

- ۱۶۴ فعل انسان قبل از انسان آفریده شده است!
- ۱۶۴ جبر و فقر
- ۱۶۴ شیطان از من دم زد و مدعی بود در صورتی که آدم توبه کرد و متواضع بود
- ۱۶۴ آدم پس از خطا توبه نمود ولی ابلیس پس از عصیان اصرار ورزید
- ۱۶۵ ما نمی توانیم افعال و اعمال خداوند را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم
- ۱۶۵ انسان در انجام امور و کارها مختار مجبور است!
- ۱۶۶ اگر به شریعت عمل کنید از خودخواهی ها رها می شوید
- ۱۶۶ سرچشمه بی غم و آگاهی
- ۱۶۶ سؤال دهم
- ۱۶۶ جواب دهم
- ۱۶۷ صدف در ماه نیسان
- ۱۶۷ چگونه مروارید در برج نیل در همان صدف تشکیل می گردد؟
- ۱۶۸ برون کن در شهرار
- ۱۶۸ انسان با عقل جستجوگر خود در دریای هستی دنبال مروارید حقایق است
- ۱۶۹ علم حال و علم قال
- ۱۶۹ برای رسیدن به حقایق باید پوست ظاهر بینی را شکست
- ۱۶۹ علم دین کار دل است و علم ظاهری برای آب و گل است
- ۱۷۰ علم واقعی مسئولانه، اصیل، غیردنیایی، معنوی و اخلاقی است
- ۱۷۰ از طریق مطالعه قرآن بی به سیر به آفاق (جهان) و انفس (درون خود) برید
- ۱۷۲ ارکان و اعتدال اخلاق
- ۱۷۲ اصول و ارکان اخلاق بر چهار محور است
- ۱۷۲ صراط مستقیم اخلاقی در مدار اعتدال و میانه روی است
- ۱۷۲ صراط مستقیم اخلاقی در مدار اعتدال و میانه روی است
- ۱۷۳ ارکان چهارگانه اخلاق با هفت صفت زشت و روبروست
- ۱۷۳ دراعتدال نفس، چهار اصل اخلاق در نفس پیوند می خورند و یکی می شوند
- ۱۷۴ نکاح معنوی
- ۱۷۴ خورشید بدون افراط و تفریط در حد اعتدال طبیعت را گرم می کند
- ۱۷۴ انسان موقعی عشق به حق می یابد که مزاج چهارگانه در نفس او در تعادل و سلامت باشند
- ۱۷۵ حسن و زیبایی از عالم غیب بطور ناگهانی به دنیای ما سرازیر شد
- ۱۷۵ دلربایی که از آثار حسن و زیبایی است مختص حضرت حق است

- جزء و کل ۱۷۵
- سؤال یازدهم ۱۷۶
- جواب یازدهم ۱۷۶
- جهان یک کل متغیر است که در هر لحظه در حال نابودی و ایجاد است! ۱۷۷
- جان جهان ۱۷۷
- جهان مانند تن انسان و انسان جان جهان می باشد ۱۷۷
- مرگ اختیاری ۱۷۸
- هیچ موجودی غیر از انسان دارای مرگ اختیاری نیست ۱۷۸
- مانند دو عالم ۱۷۸
- پس از مرگ، انسان آفرینش جدید خواهد یافت ۱۷۹
- بقای کل ۱۸۰
- دنیا با تحولات و فنا روبروست و من آخرت با با و ثبات است ۱۸۰
- فعل ونفس ۱۸۰
- کارها و تجربه ها روی خصلت های درونی و نسب مهت هر تأثیر دارند ۱۸۰
- در عالم جان ۱۸۱
- همه چیز در جهان دیگر آشکار می گردد ۱۸۱
- جهان آخرت پایدار، استوار و جهان یکرنگی است ۱۸۲
- حیات جاودانگی در جهان دیگر امکان پذیر است ۱۸۲
- صافی از خویشتن ۱۸۲
- دل ما را پر خون نموده است که ای کاش فقط مستی بود و بس! ۱۸۳
- سؤال دوازدهم ۱۸۳
- جواب دوازدهم ۱۸۳
- بوقلمون امکان ۱۸۴
- با نگاه وحدت وجود دوگانگی در وجود غیرممکن است ۱۸۴
- جهان قبل از پیدایش در عدم بدون کثرت بود ولی بعد از آفرینش، جهان کثرت شد ۱۸۴
- تعبیرات اهل دل ۱۸۵
- سؤال سیزدهم ۱۸۵
- جواب سیزدهم ۱۸۵
- الفاظ معمولی بشری توان چندانی برای معانی درونی ندارند ۱۸۵
- شبستری کلمات را به همان شکلی که هستند بکار می برد ۱۸۶

- ۱۸۷ عبارات شریعت
- ۱۸۷ نظر کن درمعانی
- ۱۸۷ هدف اصلی در بیان کلمات رساندن کامل معانی عرفانی است
- ۱۸۸ چشم شوخ او جان تازه به طبیعت بخشیده است
- ۱۸۹ چشم و لب لعل او عامل تقویت و رشد معنوی ماست
- ۱۸۹ موجودات عاشق چشم او هستند
- ۱۹۲ دل انسان عارف به نیکی آن زلف را می شناسد و برای سیروسلوک بدنبال اوست
- ۱۹۳ صفات جمال و جلال حق در همین خط روی زیبای یاراست
- ۱۹۳ خال سیاه روی چهره مرکز آفرینش است
- ۱۹۳ چرا دل دارای حالات تاثیر پذیر است و تاثیر گذاری متفاوت و مختلف است؟
- ۱۹۴ شراب بیخودی
- ۱۹۴ سؤال چهاردهم
- ۱۹۴ جواب چهاردهم
- ۲۰۱ مظهر عشق و وحدت
- ۲۰۱ سؤال پانزدهم
- ۲۰۱ جواب پانزدهم
- ۲۰۲ نشان خدمت
- ۲۰۲ زنار بستن یعنی به عهد و پیمان خود وفا کردن
- ۲۰۳ انسان شایسته رسیدن به مراحل بالا می باشد
- ۲۰۳ کرامت انسان در حق پرستی بدست می آید
- ۲۰۳ در برابر کرامات و خرق عادت هیچوقت به حد ابلیس نمی رسی!
- ۲۰۴ کرامات را به رخ مردم کشیدن کفر محض است!
- ۲۰۵ احوال عالم واژگون
- ۲۰۵ پیشوایان نادان بر افراد نادان رهبری می کنند
- ۲۰۵ کسانی که به حقیقت نرسیده اند شایسته رهبری و هدایت مردم نیستند
- ۲۰۶ پدر معنوی مردم
- ۲۰۶ علمای عصر شبستری به وظائف خود عمل نمی کنند!
- ۲۰۶ باید به اجرای تعهدی باشیم که به عهده ماست
- ۲۰۷ عادت را کنار بگذارید و از روی اخلاص عبادت کنید
- ۲۰۷ تجرید و خلاصی (ترسایی)

۲۰۸	از جهان مادی (مادر) به جانب آسمان معنوی (پدر) باید سفر نمود
۲۰۸	حیفه و مردار دنیا را دور اندازید و بسوی آسمان حرکت کنید
۲۰۹	افسانه ی نسب
۲۰۹	باید اوقات انسان با دوست سپری شود
۲۰۹	هر کدام از افرادی که به نحوی به مانزدیکند در رسیدن به دوست عامل بازدارنده اند!
۲۰۹	نزدیکان بیشتر عامل رنجشند!
۲۱۰	راه رستن
۲۱۰	بی علاقه خود را به خدا مانند عیسی ناصری نشان دهید
۲۱۰	اگر برخلاف نفس عمل کنید به رستگاری می رسید
۲۱۱	بافکن خرقه
۲۱۱	با تسلط بر نفس خود مسلمان واقعی شوید
۲۱۱	بجای خودنمایی و شهرت طلبی درجده، مرده باشید
۲۱۲	بت ترساجه
۲۱۲	آن مظهر عشق و وحدت است شراب معنوی را کام ناشی می ریزد
۲۱۲	همه تحولات عاشقانه از ساقی الست است
۲۱۳	درگلشن دوست
۲۱۳	آن بت بود که مرا از خواب غفلت بیدار کرد
۲۱۳	وقتی متوجه شخصیت واقعی خود شدم شرمنده گردیدم!
۲۱۴	وقتی که آن پیمانه را از ساقی گرفتم و نوشیدم
۲۱۴	راز گل های شکفته
۲۱۴	گلشن راز گل های شکفته حقایق هستند
۲۱۶	توضیحات
۲۳۱	منابع و مراجع

مقدمه:

از مدتها قبل که دانشجوی دوره ی لیسانس ادبیات فارسی بودم، از گفتار یکی از اساتیدم به خاطر داشتم که یک دانشجوی ادبیات باید حتماً ((گلشن راز)) را بخواند. هر بار این کتاب را باز میکردم بعد از خواندن مطالبی از آن خسته شده و به سراغ کتابی دیگر می رفتم.

در دوره ی کارشناسی ارشد نیز سرسری با این گنجینه ی عارفانه برخورد کردم و باز هم به نوشیدن جرعه ای از آن بسنده کردم.

در دوره ی دکتری نیز به وفارش یکی از اساتید محترم که تاکید داشت بایستی ((گلشن راز)) را - اگر چه از سرفصل های اصلی دوره ی درسی مان محسوب نمیشد - با دقت بخوانیم و با اینکه فرصت زیادی نداشتم، مطالعه را آغاز کرده و تازه دانستم که چقدر از طراوت سحر انگیز این بوستان دل انگیز محروم بوده ام.

مختصر اینکه هر چه بیشتر می خواستم بیشتر شگفته می شدم و در آخر بر آن شدم تا نسبت به چایی جدید از این اثر بی مانند ادب فارسی اقدام نمایم.

بدینوسیله زحمات و کوششهای تمامی محققین، مصححین، مؤلفین، و ناشرین بزرگواری را که در راه شناخت این کتاب ارزشمند عمری صرف نموده اند بزرگوارانه تقدیم می کنم.

کامبیز امامی